



## سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص)

موسی عزیزی، استان خراسان رضوی  
مذهب: حنفی

### چکیده

نیازهای گوناگون و متعدد انسان، می‌طلبد تا برای برقراری تعادل بین این نیازها، حکومت تشکیل گردد. پیامبر اکرم (ص) نیز پس از مبعوث شدن به پیامبری، بر اساس آیات الهی و برای اجرا نمودن قوانین وضع شده از جانب پروردگار، در صدد تشکیل حکومت برآمد و در راستای ادامه و تحقق آرمان‌های اصیل حکومت اسلامی از تمامی امکانات و فرصت‌ها استفاده نمود و شیوه‌ای متفاوت از حکمرانان جوامع بشری آن دوره برگزید. در سیره سیاسی ایشان و در تمامی مراحل دعوت، ابتدا اصولی همانند دعوت، انعطاف‌پذیری، گفتگو و... بر سایر جنبه‌ها مقدم بود.



عملکرد پیامبر در طول ۲۳ سال، عملکردی واقع‌گرایانه بوده و موفقیت آن هم از این روی است. واقع‌گرایی در رفتارهای پیامبر در تمامی مقاطع کاملاً معلوم است؛ چه در دعوت، چه در جهاد، چه در سازماندهی حکومت و چه در سازماندهی اجتماع پر از اختلافات قبیله‌ای آن دوران. در واقع، واقع‌گرایی پیامبر به معنای توجه پیامبر به تمامی الزامات مادی و معنوی زمان، مکان و انسانهای آن عصر بوده است.

نگارنده این نوشتار، بر آن است تا به بررسی و تبیین سیره سیاسی پیامبر اکرم به طور اختصار بپردازد تا به این طریق به منادیان آزادی بشر که تنها به واژه‌های این ادعا اکتفا می‌نمایند، اثبات نماید که پیامبر اکرم (ص) در چهارده قرن پیش دارای نظام سیاسی خاص و منسجم بوده است و از اصول و روشی پیروی می‌نموده است که این اصول و روش می‌تواند الگوی تمامی جوامع بشری قرار گیرد.

### ۱. تعریف حکومت

حکومت به گسترده کلمه، عبارت از نهادی است که امتیاز فرمانروا و فرمانبردار را در یک جامعه مشخص می‌کند و در مفهوم محدودتری به ترکیب نوع و ویژه‌ای از اجتماع انسانی به نام ملت توصیف شده است. (ظریفیان شفیعی، ۱۳۷۶، ص ۲۴)

### ۲. ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

از آنجا که انسان موجودی اجتماعی و مدنی است، نیازهای گوناگونی از قبیل: نیازهای عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، او را و می‌دارد تا به تأسیس حکومت بپردازد. بر این اساس و در راستای تأمین این نیازها و قانونمند نمودن نیازهای انسان و اجرا نمودن قوانین وضع شده، اسلام و در رأس آن پیامبر اکرم (ص) نیز اقدام به تأسیس حکومت اسلامی نمودند.

اما این امر (حکومت اسلامی) ساخته و پرداخته حرکت اسلامی و بنیان‌گذاران و یا پیروان آن نیست؛ بلکه حقیقتی است که نصوص انکارناپذیر و قاطع اسلام و حوادث ثابت تاریخی و ساختار رسالت، آن را اثبات می‌نماید و می‌توان به آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نساء استناد نمود که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

ضمن آنکه توانایی‌های فکری و عملی پیامبر اکرم (ص) از جانب وحی، مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت، اما ایشان نیز در راستای تبلیغ و معرفی اسلام و جامعه عمل پوشاندن بدانچه به ایشان وحی

شده بود، از هیچ تلاش و کوششی کوتاهی نمی نمود و در این راستا میان قبایل حجاز می رفت و آنان را به ایمان و اسلام و حمایت از دعوت خویش فرا می خواند و این موضوع با قرار گرفتن دو قبیله مهم مدینه؛ یعنی اوس و خزرج در مسیر ایمان، تحقق پذیرفت. این امر با هیأتی متشکل از ۷۳ زن و مرد که در ایام حج به خدمت پیامبر اکرم (ص) مشرف گردیدند و براساس تبعیتی که مبنی بر اطاعت همه جانبه از تمامی دستورات پیامبر اکرم (ص) انجام پذیرفت، به اوج و رونق خود نائل آمد و راه را برای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه فراهم آورد. بنابراین مدینه پایگاه و مرکز حکومت نوین اسلام قرار گرفت. (قرضاوی، ۱۳۷۹، صص ۲۸ - ۲۹).

در این راستا نیز می توان به تبیین و طرح این مسائل پرداخت که آیا اسلام و در رأس آن پیامبر اکرم (ص) بعد از تشکیل حکومت اسلامی، تنها به تبیین رابطه انسان با خدا پرداخته است و یا برای زندگی اجتماعی و سیاسی نیز دارای اهداف و برنامه هایی است. سوال دیگر اینکه آیا پیامبر اکرم (ص) از آن جهت که خاتم پیامبران و در حقیقت عصاره خلقت بوده است، صرفاً به تبلیغ یکسری احکام الهی و عبادی پرداخته است، یا اینکه با آوردن کتاب آسمانی، در صدد تأمین نیازهای بشری اقدام نموده و حکومت تأسیس نموده است؟

پاسخ به این سؤالات را می توان در موارد ذیل به اختصار بیان نمود:

پیامبر اکرم (ص) به تشکیل حکومت مبادرت ورزید؛ چرا که حکومت امری ضروری و مورد اتفاق تمامی جوامع بشری است و از این طریق امور متعارض افراد در جامعه سامان میابد.

از آنجایی که اسلام از برترین قوانین و مقررات زندگی اجتماعی برخوردار است، این قوانین بدون ضمانت اجرایی، هیچ نفعی به حال جامعه نخواهد داشت. همچنین از آنجا که قانون، زمانی سودمند است که اجرا و عملی گردد، بر این اساس پیامبر اکرم (ص) اقدام به تشکیل حکومت اسلامی کرد.

پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه منوره، این شهر مرکز جهان اسلام قرار گرفت و به تشکیل حکومت در مدینه اقدام نمود و در کنار نبوت و وظایف تبلیغی و ارشادی، زعامت سیاسی مسلمانان را نیز بر عهده داشت.

ولایت سیاسی پیامبر اکرم (ص) بر اساس آیه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب، ۶). «پیغمبر از خود مؤمنان نسبت بدانان اولویت بیشتری دارد و اراده و خواست او در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، مقدم بر اراده و خواست ایشان است.» و همچنین آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹). «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا (با پیروی

از قرآن) و از پیغمبر خدا (با تمسک به سنت او) اطاعت کنید و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمایید.» ریشه در آموزه‌های وحیانی دارد. (محمودی، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۶۲)

همچنین در این ارتباط می‌توان به آیات ۶۹ و ۱۰۵ سوره نساء نیز اشاره نمود.

### ۳. سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص)، پس از بعثت، از قلم و آگاهی، از هدفمندی حیات، از برابری انسان‌ها در خلقت و پیشگاه الهی و یکسان بودن آنان در برابر حکومت اسلامی، بطلان و نفی امتیازها و تفاخرات قومی و قبیله‌ای، برابری سیاه و سفید، ارزش والای زنان و حقوق قطعی ایشان بر ذمه مردان و... در جامعه عربی سخن می‌گفت. چنین پیام‌ها و تعالیمی نه تنها برای شیوخ و رؤسای قبایل، سنت‌شکنی و آزاردهنده بود؛ بلکه با پایگاه انسانی پیامبر (ص) نیز هماهنگی نداشت. (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۷۷؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

بر این اساس، می‌توان دوران بیست و سه سالی که پیامبر اکرم (ص) وظیفه هدایت و رهبری جامعه را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حکومتی و... را بر عهده داشت به دو دوران مکی و مدنی تقسیم نمود:

#### ۱.۳. دوران مکی یا ملت‌سازی

در این دوره که پیامبر اکرم (ص) به مدت ۱۳ سال در مکه اقامت داشت، شالوده‌های اساسی اخلاقی و اعتقادی امت اسلام با پشتوانه عظیم آیات الهی در قالب آیات مکی شکل گرفت. در این دوران، ابتدا پیامبر اکرم (ص) دعوت خویش را به صورت سری و پنهانی آغاز نمود و بعد از آن به دعوت خویشاوندان خویش پرداخت و بعد از آن، دعوت علنی را آغاز نمود.

بعد از شروع دعوت علنی و گسترش ابعاد دعوت و تأکید آیات الهی مبنی بر مسائلی از جمله: امی بودن پیامبر اکرم (ص) و این امر که سخنان وی مبنی بر وحی می‌باشد و عقل و نفس او سرچشمه و منشأ وحی نیستند، بزرگان مکه از این موضوع ابراز نگرانی نمودند و در راستای خنثی نمودن دعوت پیامبر اکرم (ص) و جلوگیری از گسترش روز افزون اسلام و گرویدن مکیان و یا سایر افراد، به پیامبر (ص) عنوان‌هایی همانند شاعری، کهنات، جنون و ساحری نسبت دادند. (همان، صص ۲۶-۲۵).

بنابراین مراحل دعوت پیامبر اکرم (ص) را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

### ۱،۱،۳. دعوت سری

این دعوت سه سال به طول انجامید و در این مدت عده‌ای از جمله: ابوبکر، علی، خدیجه، زید بن حارثه، عبدالرحمان بن عوف، عثمان، ارقم بن ارقم و... ایمان آوردند. در طی این سه سال، تأکید پیامبر بر شخصیت‌سازی افراد از لحاظ عقیدتی و اخلاقی معطوف گردیده بود؛ چرا که ایجاد اصلاحات عمیق و همه‌جانبه اجتماعی و سیاسی با تعداد اندکی از پیروان وی امکان‌پذیر نبود. بنابراین، پیامبر اکرم (ص) علاوه بر اینکه می‌بایست به بیان واقعیت‌ها در حد فصاحت و بلاغت می‌پرداخت، به دفاع از دستورات و تعالیم نازل شده نیز مبادرت می‌ورزید.

### ۲،۱،۳. دعوت خویشان

پس از نزول آیه: « وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ » مرحله جدید دعوت پیامبر (ص) آغاز گردید و آن دعوت خویشاوندان بود. پیامبر اکرم (ص) در این مرحله، در جهت اصلاحات اجتماعی، ابتدا به اصلاحات داخلی پرداخت و به دعوت و تبلیغ اقوام و خویشان خویش مبادرت ورزید و از حمایت‌های بنی‌هاشم و در رأس آن ابوطالب که در میان قریش، فردی مقتدر و معروف بود، در راستای دعوت خویش سود برد.

### ۳،۱،۳. دعوت عمومی

پس از نزول آیه: « فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ » (حجر، ۹۴-۹۵) دعوت علنی پیامبر اکرم (ص) آغاز گردید. با آغاز این مرحله از دعوت و پی‌بردن قریش به تعارض تعالیم خدا با بافت و ساخت نظام حاکم بر زندگی اعراب، تمسخر و اتهام که در مرحله دعوت سری به پیامبر نسبت داده می‌شد، جای خود را به تلاش در راستای محدود کردن دعوت پیامبر اکرم (ص) داد و نخستین سیاست آنان در این راستا، تطمیع پیامبر جهت همراه کردن وی با نظام اشرافی موجود بود. بنابراین، آنان با ناکامی از این موضوع، در صدد آزار و اذیت مؤمنان برآمدند. (ابن اثیر، ج ۲، ۱۳۷۴، صص ۸۶۱-۸۸۰؛ طبری ج ۳، ۱۳۷۵، صص ۸۵۷-۸۷۲؛ زرگری‌نژاد، صص ۴۵-۴۶).

### ۲،۲. دوران مدنی (دولت‌سازی)

با شدت گرفتن آزار و اذیت قریش و کفار مکه نسبت به پیامبر و یاران ایشان، پیامبر اکرم (ص) در صدد بر آمدن تا مؤمنان را از این وضعیت اسفبار نجات بخشد. بنابراین، دستور خداوند برای هجرت از مکه به مدینه، مناسب‌ترین راه برای رهایی مسلمانان از این وضعیت محسوب می‌گردید. بر این اساس، می‌توان مدینه را نخستین مرکزی در اسلام به حساب آورد که حکومت در آن شکل گرفت و در رأس این حکومت که پیامبر اکرم (ص) قرار داشت، براساس آیات الهی و بر این اساس که

حکومت، جزئی جدایی‌ناپذیر از برنامه فراگیر اسلام است و با تمامی تحولات زمان و مکان و با توجه به تفاوت انسان‌ها سازگار و هماهنگ است، به تأسیس حکومت اسلامی پرداخت. (قرضاوی، پیشین، ص ۲۵)

هجرت به مدینه موجب گردید تا پیامبر به وظایف و اقدامات جدیدی پردازد. بنابراین، می‌توان اهداف اولیه حکومت اسلامی را این موارد برشمرد:

۱- سیاستگذاری برای استحکام پیوندهای سیاسی، نظامی و اجتماعی مسلمانان با یکدیگر و با دو جریان اصلی اعتقادی که در یثرب وجود داشت، یعنی مشرکان و منافقان.

۲- ساماندهی به مشکلات اقتصادی مهاجران که خانه و کاشانه و ثروت خویش را در مکه ترک نموده بودند و به مدینه مهاجرت کرده بودند.

۳- گسترش اسلام در یثرب و اعراب پیرامون آن و در نهایت دعوت جهانی.

از آنجایی که پیامبر اکرم (ص) می‌دانست تشکیل حکومت اسلامی در مدینه از سوی عوامل بیرونی همانند قریش و نیروهای نظامی آنان و تحریک آنان در میان قبایل بدوی و همچنین از سوی عوامل درونی همانند بروز شکاف اختلاف و منازعه و وجود مشرکان و یهودیان مدینه و سایر هم‌پیمانان آنان همانند مشرکان مکه، تهدید خواهد شد. بنابراین، در راستای جلوگیری از چنین تهدیداتی بعد از ورود به مدینه، اقداماتی را شروع نمود (زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۲۸). که مهم‌ترین آنان عبارتست از:

۱- تأسیس مسجد به عنوان مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی در مدینه.

۲- انعقاد پیمان برادری و عقد اخوت دو گروه انصار (اوس و خزرج) و پیمان‌های انفرادی اخوت میان انصار و مهاجران.

تأسیس نخستین قانون اساسی مدینه که شامل ۴ فصل و ۳۷ ماده بود. (ابن هشام، ج ۱، ۱۳۷۵، صص ۳۲۶-۳۳۳؛ سمیع اطفالدین، ۱۳۷۹، صص ۵۳۰-۵۳۴؛ مبارک فوری، ۱۳۸۱، صص ۳۶۳-۳۶۹؛ غزالی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۶-۲۱۲).

۴- حراست از نظام اسلامی مدینه که دشمنان اصلی زیر را مورد تهدید قرار می‌داد.

الف: قبایل نیمه وحشی اطراف مدینه که زندگی آنان براساس جنگ و خونریزی و غارت بود.

پیامبر اکرم (ص) با روش و شیوه‌ای خاص و استفاده از فرصت‌های مناسب، تهدیدهای آنان را به فرصت تبدیل نمود و اگر در وجود در هر کدام از آنها، نشانه صلاح و هدایت می‌دید، با آنان پیمان می‌بست تا تعرض نمایند و اگر اصلاح‌پذیر نبودند، آنان را با روش و شیوه‌ای جدا از این روش، سر جای خود می‌نشانید.

ب: اشراف مکه: اینان اگرچه با یکدیگر اختلاف داشتند، اما در مقابل پیامبر اکرم (ص)، همدست شدند و پیامبر اکرم (ص) نیز به این موضوع آگاهی داشت که خطر عمده برای حکومت مدینه از جانب آنان می‌باشد، پس به سراغ آنان رفت.

ج: یهودیان: پیامبر با اینان نیز مدارا می‌نمود و اگر از جانب آنان خیانتی متوجه حکومت اسلامی می‌گردید، پیامبر با آنان برخورد می‌نمود. مهم‌ترین قبایل یهود در مدینه عبارت بود از: بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه.

د: منافقان: اینان تا زمانی که سازمان یافته نبودند و خطرشان همچون عبدالله بن ابی، خطر فردی بود، پیامبر اکرم (ص) آنان را تحمل می‌نمود و رفتار پیامبر موجب خنثی شدن نیت‌های آنان می‌گردید، اما وقتی که عده‌ای از آنان اقدامات سازمان یافته‌ای نمودند، پیامبر (ص) به سراغ آنان رفت و مسجد ضرار را ویران نمود.

#### ۴- استراتژی پیامبر اکرم (ص) در روابط سیاسی

##### ۱.۴. استراتژی دعوت

در روابط خارجی اسلام، اصل دعوت به عنوان یکی از اصول اساسی مورد توجه می‌باشد و خداوند در سوره آل عمران، این اصل را این گونه بیان می‌نماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران، ۶۴). « بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم.»

دعوت، یعنی درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمان، درخواست کننده اصطلاحاً داعی نامیده می‌شود و داعی در دعوت خود باید قصد قربت داشته باشد. یعنی این عمل را برای جلب رضای خدا و به عنوان یک تکلیف الهی انجام دهد. (قرضاوی، پیشین، ص ۳۰۴).

بنابراین، دعوت از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف رسالت انبیاء الهی به خصوص پیامبر اکرم (ص) محسوب می‌گردد. محتوای این دعوت، بر سعادت دینی و دنیوی انسان استوار است. این اصل یکی

از مبانی روابط خارجی دولت اسلامی است که به تناسب شرایط و مقتضیات زمان و شیوه‌ای خاص برای تحقق و انجام آن استناد می‌شود. اما مهم‌ترین مسائلی که در اصل دعوت مطرح است به این شرح است:

قواعد دعوت براساس آیه: « اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ » (نحل، ۱۲۵) عبارتند از: حکمت، پند نیکو، جدل نیکو و عمل صالح.

و جوب دعوت را می‌توان از آیات قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص) استنباط نمود.

### ● الف: آیات قرآن

این موضوع در سوره نحل، این گونه بیان گردیده است:

« اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ » (نحل، ۱۲۵) «مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه هر چه نیکوتر و بهتر گفت و گو کن؛ چرا که پروردگارت آگاه‌تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا اینکه رهنمون و راهیاب می‌گردند.» در این آیه، ابتدا دعوت به راه خداوند به حکمت مقید شده است. حکمت به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است. بنابراین، سیاست خارجی‌ای که مبتنی بر حکمت باشد، می‌تواند مخالفان و دشمنان را به فکر و اندیشه وادار نماید و موجب تحریک آنان گردد و بر این اساس موجب بیدار شدن افکار و اذهان خفته و غافل گردد.

در ادامه این آیه، خداوند گفتار و بیان نیکو را به پیامبر تذکر می‌دهد و پیامبر بر اساس این آیه، مأمور می‌گردد تا از طریق بیان نیکو و شیوا با مخالفان به گفتگو و مناظره بپردازد؛ چرا که وعظ و اندرز جنبه عاطفی دارد و با تحریک عواطف و احساسات، می‌توان مردم را به سوی حق و خداوند دعوت نمود.

از این رو می‌توان از حکم به عنوان بعد عقلی دعوت و از موعظه نیکو به عنوان بعد عاطفی دعوت یاد نمود و موعظه می‌بایست خالی از هر گونه برتری‌جویی، تحقیر و خشونت باشد. (شیرخانی، ص ۱۳۸۵، ص ۸۴)

در این باره آیات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به آیه ۱۰۸ سوره یوسف و یا ۳۳ سوره فصلت اشاره نمود.



● ب: سیره پیامبر اکرم (ص)

دعوت، اولین استراتژی پیامبر اکرم (ص) در دیپلماسی بود و این امر متناسب با شرایط زمان و مکان صورت می‌گرفت. برای اثبات این مدعا می‌توان شیوه دعوت پیامبر را از ابتدای بعثت که با دعوت سری آغاز گردید و آن‌گاه موظف به تبلیغ دین اسلام در میان اقوام و خویشاوندان خویش گردید و بعد از آن، دعوت عمومی و آشکار، آغاز گردید، ذکر نمود. شیوه آن حضرت در استراتژی دعوت، شامل موارد ذیل می‌گردید:

۱- تقدم دعوت بر جنگ

در دیپلماسی پیامبر، دعوت نسبت به سایر امور در اولویت قرار داشت؛ چرا که دعوت از چنان اهمیتی برخوردار بود که پیامبر حتی در جنگ‌ها، ابتدا به دعوت می‌پرداخت و این امر حتی شامل افرادی که پیامبر قبلاً آنان را دعوت داده بود، نیز می‌گردید. (ابن هشام، ج ۳، ص ۲۱۶).

رفتار سیاسی پیامبر اکرم (ص)، در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر دعوت بود و آن حضرت از ابتدای بعثت و قبل از مهاجرت به مدینه و یا بعد از هجرت و حتی هنگام فتح مدینه و مکه این اسلوب را به عنوان برنامه‌ای هدفمند و خاص برگزیده بود و علاوه بر اینکه ایشان، رسالت خود را بر این اصل استوار گردانده بود، این شیوه را برای سفیران خویش نیز توصیه می‌نمود و سفیران ایشان نیز موظف بودند تا از دستورات ایشان تبعیت نمایند و دعوت و دیپلماسی را بر شیوه‌های دیگر مقدم بدانند. از حضرت علی نیز نقل شده است که فرمود: «پیامبر مرا به یمن فرستاد و فرمود: یا علی! با هیچ کسی جنگ مکن، مگر اینکه او را به اسلام دعوت کرده باشی.» (قرضاوی، پیشین، ص ۷۱۱).

۲- انعطاف

یکی دیگر از شیوه‌های پیامبر اکرم (ص) به ویژه در استراتژی دعوت، دعوت توأم با انعطاف و ملامت بود و یکی از دلایل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اکرم (ص) در قلوب دیگران، رفتار سیاسی منعطفانه آن حضرت بود. این برخورد را خداوند، برای پیامبر یک رحمت الهی می‌داند؛ چنانکه می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، ۱۵۹). «از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان طلب آموزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی، بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل

کنندگان را دوست می‌دارد.»

### ۳- استفاده از نقاط مشترک

پیامبر اکرم (ص) برای ایجاد انگیزه در مخالفان در جهت مذاکره و توافق‌های اصولی و راضی نمودن آنان جهت مذاکرات صلح آمیز از نقاط مشترک استفاده می‌نمود. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۵). استفاده از نقاط مشترک در دیپلماسی پیامبر و نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌ها به‌خوبی مشهود است که به عنوان مثال نامه پیامبر اکرم (ص) به کسری و نجاشی را ذکر می‌نماییم.

#### ۱.۳. نامه پیامبر اکرم (ص) به کسری، پادشاه ایران

«بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد رسول الله، الي كسرى، عظيم فارس. سلام على من اتبع الهدى، و آمن بالله و رسله، و شهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و ان محمد عبده و رسوله ادعوك بدعايه الله، فاني رسول الله الي الناس كافة؛ لانذر من كان حيا و يحق القول على الكافرين؛ فاسلم تسلم؛ فان ابيت فان اثم المجوس عليك.»

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خدا به کسری، بزرگ فارس. درود بر او باد که پیرو هدایت گردد و به «الله» و فرستاده او ایمان آورد و به آنکه معبود (راستینی) جز «الله» نیست، که یگانه و بی نیاز است و آنکه محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی دهد. من تو را به دعوت الهی فرا می‌خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا به سوی جمله مردمانم. تا آنان را که زنده‌دلند، هشدار دهم و تا حجت بر کافران تمام شود؛ پس اسلام آر تا در امان باشی و اگر سر برتابی، بی گمان گناه مجوسیان بر تو است.»

#### ۲.۳. نامه پیامبر اکرم (ص) به نجاشی، پادشاه حبشه

«بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد، رسول الله، الي النجاشي الاصحم، ملك الحبشه، سلم انت، فاني احمد إليك الله الذي لا اله الا هو، الملك القدوس، السلام، المؤمن، المهيمن، و اشهد ان عيسى بن مريم روح الله و كلمته القاها الي مريم البتول الطيبه الحصينه، فحملت بعيسى، فخلق الله من روحه و نفخه، كما خلق آدم بيده و نفخه. اني ادعوك الي الله وحده لا شريك له و الموالاه على اطاعته و ان تتبعني و تؤمن بالذي جاءني فاني رسول الله. فاني ادعوك و جنودك الي الله، فقد بلغت و نصحت فاقبلوا نصحي و السلام على من اتبع الهدى.»

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خداوند، به نجاشی اصحم، پادشاه حبشه: در آشتی هستی، من همراه با تو، خداوندی را که معبود (راستینی) جز او نیست، خداوند فرمانروای

پاک، بی‌عیب و نقص، ایمن دارنده [و] نگاهبان را می‌ستایم و گواهی می‌دهم که عیسی، فرزند مریم، روح خدا و کلمه اوست که خداوند آن را به سوی مریم عذرای پاک پاکدامن افکند، آن گاه او به عیسی بارور گشت و خداوند او را از روح و دمیدن خویش بیافرید، چنانکه آدم را با دست [قدرت] و دمیدن خویش، هستی بخشید. من تو را به خدای یگانه بی‌انبار و یاریگر بر فرمانبرداری از او و اینکه از من پیروی کنی و بدانچه که به سوی من آمده است، باور داری، فرا می‌خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا هستم و تو و سپاهیان را به سوی خداوند فرا می‌خوانم. به راستی [دعوت الهی] را رساندم و پند دادم؛ پس اندرز مرا بپذیرید و درود بر کسی که پیرو هدایت گردد.» (منتظری، ج ۵، صص ۲۱۲-۲۲۰؛ ابوزهره، ج ۳، ص ۲۳۴-۲۴۰).

### ۳.۳. استراتژی صلح

بر این اساس که در اسلام اصل در روابط خارجی بر صلح استوار است، پیامبر اکرم (ص) نیز صلح‌خواهی را به عنوان یک استراتژی مهم در روابط خارجی و بین‌المللی به کار برد.

روش آن حضرت در حوزه سیاست خارجی علاوه بر اینکه بر دعوت استوار بود، از سال ششم هجری، استراتژی صلح را نیز دنبال کردند که بارزترین آن صلح حدیبیه بود.

علاوه بر موارد فوق که به تبیین و ذکر آنها پرداختیم، پیامبر اکرم (ص) در جریان تشکیل حکومت به جریان عضوایی که یکی از مهم‌ترین ارکان در نظام اداری اسلام محسوب می‌گردد، نیز توجه کامل داشت و در این راستا می‌توان منابع نیروی انسانی پیامبر اکرم (ص) را به این شرح دانست:

۱- منابع نژادی عرب و عجم

۲- منابع سرزمینی مانند: مکه، مدینه و یمن

۳- منابع قبیله‌ای مانند: قریش

۴- منابع ارزشی مانند: مهاجران، انصار، مجاهدان و تابعین

۵- منابع بومی

۶- منابع سرزمینی، اعتقادی مانند: دارالکفر و دارالاسلام

۷- منابع اعتقادی مانند: مسمانان، یهود و نصاری.

علاوه بر موارد ذکر شده در این نوشتار، سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) جنبه‌های متعدد دیگری را نیز شامل می‌گردد که به دلیل ارائه این مقاله به صورت مختصر به همین مقدار بسنده نمودیم.

### نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن مینا و منشأ حاکمیت در اندیشه سیاسی اسلام، پیامبر اکرم (ص) از جانب خداوند مأموریت داشت تا با تأسیس دولت اسلامی، علاوه بر تأمین اهداف مادی حکومت (امنیت، رفاهی، بشر از چنگال زر و زور ستمگران، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی و...) به تأمین اهداف معنوی نیز همت گمارد.

خیر و سعادت و جنبه‌های معنوی جامعه و بیدارسازی فطرت خداخواهی بشر، مقوله‌هایی هستند که بعد اصلی حکومت پیامبر اکرم (ص) را تشکیل می‌دهند. این اهداف را می‌توان با مصادیق جزئی‌تر، تحت عناوین نجات انسان‌ها از ظلمت و تاریکی، هدایت آنها به اسلام، اجرای قوانین عادلانه الهی، اجرای عدالت و تزکیه نفوس و تهذیب اخلاق بررسی نمود. (محمودی، پیشین، ص ۶۸).

بر این اساس، بر مسلمانان و حاکمان کشورهای اسلامی واجب است تا با مطالعه و بررسی سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) و در مجموع با تاسی از سیره نبوی در تمامی ابعاد، در راستای تحقق بخشیدن و عملی نمودن اهداف و آرمان‌های عالی مورد نظر اسلام، تلاش نمایند تا جهان به مدد و یاری پروردگار به مدینه فاضله‌ای تبدیل گردد.

### منابع و مآخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن هشام، سیره ابن هشام، سید هاشم رسولی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۵.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، محمدحسین روحانی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
- ۴- ابوزهره، محمد، خاتم پیامبران، حسین صابری، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۵.
- ۵- ثقفی تهرانی، محمد، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، تهران، بی نا، ۱۳۷۶.
- ۶- زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ تحلیلی اسلام، قم، آیت عشق، ۱۳۸۳.

- ۷- سمیح عاطف الدین، محمد در مدینه، مسعود انصاری، تهران، جامی، ۱۳۷۹.
- ۸- شیرخانی، دعوت و جنگ و صلح در قرآن، بیجا، بینا، بیتا.
- ۹- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵.
- ۱۰- ظریفیان شفیعی، غلامرضا، دین و دولت در اسلام، تهران، میراث ملل، ۱۳۷۶.
- ۱۱- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی و حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی اسلام، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۲- غزالی، محمد، سیره آموزی، اصغر محمدی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۳- قرضاوی، یوسف، فقه سیاسی، عبدالعزیز سلیمی، تهران، احسان، ۱۳۷۹.
- ۱۴- مبارکفوری، صفی الدین، خورشید نبوت، محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، احسان، ۱۳۸۱.
- ۱۵- محمودی، عبدالقیوم، اهداف حکومت اسلامی از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)، فصلنامه علمی - فرهنگی - اجتماعی قلم، شماره ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۶- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، محمود صلواتی، تهران، سرایی، بیتا.
- ۱۷- موریس دورژه، اصول عم سیاست، ابوالفضل قاضی، سپهر، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۸- موسوی، سید محمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.